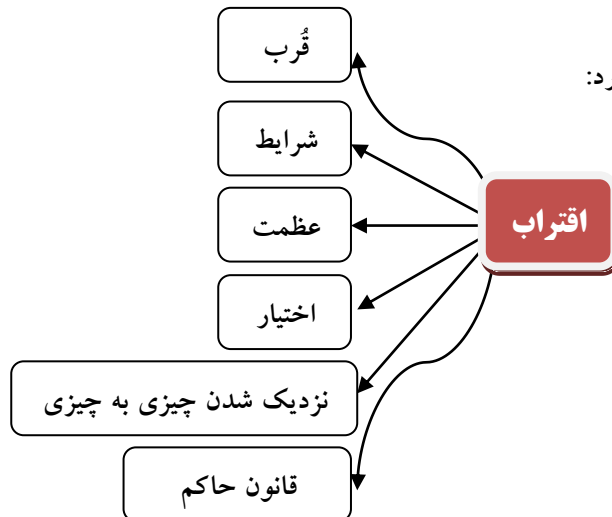




- جلسه قبل در سوره مبارکه انبیاء به طور مختصر به سه اصل «توحید و نبوت و معاد» پرداخته شد و داستان‌های انبیاء نیز به اختصار بررسی گردید. ضمناً راجع به غالب ادبی سوره و اداتی که در سوره مطرح می‌شود مختصراً صحبت شد.
- اولین واژه‌ای که در سوره آمده است واژه «اقتراب» است.
- «اقتراب» از قُرب گرفته شده است. «قرب» به معنای نزدیک شدن است. قُرب وقتی به باب افتعال می‌رود معنای «پذیرش» هم می‌دهد. در باب افتعال فرد با اختیار می‌پذیرد. ولی در باب انفعال با اکراه می‌پذیرد زیرا بر فرد تحمیل می‌شود.
- بعضی از واژه‌ها مانند «قرب» را نمی‌توان با پذیرش معنی کرد زیرا قرب نتیجه عمل فرد است.
- زمانی اقتراب به کار می‌بریم که کسی در معرض چیزی قرار می‌گیرد به حدی که شرایطی مهیا می‌شود و قرب اتفاق می‌افتد.
- اقتراب زمانی به کار می‌رود که آنچه که با آن مواجه می‌شویم عظیم باشد آنقدر که همه شرایط قبلی را بپوشاند و یا از بین ببرد و خود آن لحظه برایمان بسیار مهم است.

- بنابراین در اقتراب مؤلفه‌های زیر وجود دارد:



- توجه: در قیامت «اختیار» وجود ندارد اما اینکه وقتی نامه اعمال به ما داده می‌شود جزء اصحاب یمین باشیم یا شمال و ... اختیار وجود دارد. اینکه ما در دنیا چگونه عمل کنیم و کار خیر یا شر انجام دهیم اختیاری است و لحظه لحظه قیامت را برای ما می‌سازند.
- وقتی «اقتراب» به کار می‌رود همه شرایط قبلش نیز در نظر گرفته می‌شود و مهم است و به طور طبیعی شدت قرب را می‌رساند.
- مثال: وقتی دستمان به لیوان آب می‌خورد قبل از اینکه آبش بریزد می‌گوییم «افتاد» در حالی که هنوز نیفتاده است اما زمان آنقدر کوتاه است که به ما اجازه نمی‌دهد که بخواهیم بین آن فاصله ایجاد کنیم لذا لیوان آب را افتاده می‌دانیم.

قانون ← اینکه به واسطه قانون چه اتفاقی می‌افتد را «اقتراب» گویند.

- یعنی اتفاق افتادن قانون، حتمی است. مثال: وقتی کسی بالای برج بیست طبقه می‌رود و خودش را پایین می‌اندازد، به محض رها شدنش، می‌گوییم: «او مُرد» به این معنا که قانون مردنش حتمی است.

- چون در ذهن ما زمان وجود دارد برای ما ایجاد اختلال کرده است. ما باید بدانیم که هر عملی که انجام می‌دهیم همان موقع حساب آن عمل را برای ما واریز می‌کنند. مثلاً وقتی با کسی برخورد بدی می‌کنیم فکر می‌کنیم وقت داریم که حلالیت بطلبیم بلکه این‌طور نیست همان موقع به حساب ما می‌ریزند.

- اقتراب یعنی عمل و عکس‌العمل عین هم هستند. مثال: وقتی دری را باز می‌کنیم هنگامی که دسته در را پایین می‌کشیم در باز می‌شود یعنی پایین کشیدن دسته در، «عین» باز شدن در است. آنقدر اینها به هم نزدیک هستند که نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد.

- سوره انبیاء می‌خواهد به ما بگوید: «عمل و حساب» اقتراب دارند. انگار عمل همان حساب است و حساب همان عمل.

- اگر این موضوع واقعاً برایمان فهم شود کافی است که انسان نه تنها دیگر گناه نکند بلکه از گناه فرسنگ‌ها فاصله بگیرد. زیرا گناه مانند سم است. همین که کسی سم خورد یعنی مرده است و دیگر انسان اصلاً به ذهنش متبادر نمی‌شود که گناه کند. نسبت هر عمل و حسابش نیز اینچنین است.

- توجه: در حساب برخی از اعمال، پوشاندن گناهان یا تبدیل آنها به حسنات وجود دارد.

- به طور خلاصه:

اقتراب: نزدیک شدن شدید به حدی که تقریباً عینیت صورت بگیرد.

- «تقریباً» آورده شد زیرا به هر حال دوئیتی وجود دارد.

- اقتراب که در سوره مبارکه قمر به کار رفته است نیز به همین منوال است. سوری که با اقتراب شروع می‌شوند به لحاظ اندازی بسیار شدید هستند.

- روش‌های مطالعه سوره:

✓ حالت اول: سوره‌ای را کامل بخوانیم و از آن گزاره استخراج کنیم،

مثال: گزاره از آیه ۱: غفلت سبب اعراض از قیامت می‌شود.

✓ حالت دوم: بر اساس موضوعات سوره به «گزاره» برسیم.

✓ حالت سوم: بر اساس موضوع محوری سوره به «گزاره» برسیم.

✓ حالت چهارم: بر اساس موضوع محوری سوره به «معناشناسی» برسیم.

✓ حالت پنجم: بر اساس موضوع محوری سوره به «فرآیندشناسی» برسیم.

✓ حالت ششم: بر اساس موضوع محوری سوره به «نظام‌سازی- پیاده‌سازی» برسیم.

✓

- فرآیندشناسی: یعنی فرآیند تحقق آن مسئله در فرد.

- فرآیند شناسی، نوعی معناشناسی است که معنا شناسی را در دل خود دارد. مثال: اگر بخواهیم بفهمیم شکر چگونه در ما جاری می‌شود باید دنبال لوازم، آثار و ... باشیم.

- نظام‌سازی: یعنی چگونه می‌توان آن موضوع را در جامعه پیاده‌سازی کرد.

- موضوعات سوره = گزاره‌ها
- موضوع محوری سوره = گزاره‌ها
- موضوع محوری سوره = معناشناسی
- موضوع محوری سوره = فرآیندشناسی
- موضوع محوری سوره = نظام‌سازی

- ما باید بیاموزیم که سوره‌ها را از زوایای مختلف نگاه کنیم تا بتوانیم از آن‌ها استفاده‌های مختلف داشته باشیم.
- نکته مهم: باید وقوفمان را در سوره زیاد کنیم تا نکات زیادی نصیبمان شود. تدبر در سوره حاصل تدریج است. در اثر وقوف در عرفات سوره، نکات زیادی عائدمان می‌شود.
- گزاره‌هایی که در سوره مبارکه انبیاء وجود دارد بسیار به لحاظ فردی و اجتماعی کاربردی می‌باشد.
- * در سوره مبارکه انبیاء موضوع محوری را «ایمان» در نظر می‌گیریم و موارد بالا را در مورد این موضوع تا حدی انجام می‌دهیم: ابتدا باید از این سوره و یا سوره‌ای دیگر تعریفی برای «ایمان» به دست آوریم.
- چون سوره مبارکه انبیاء، سوره توحید، نبوت و معاد است بنابراین این سه مورد موضوعات ایمان هستند. سوره انبیاء این سه مورد را بیان می‌کند تا افراد به آن ایمان آورند.

ایمان: معرفت تصدیق شده‌ای که اطمینان و اعتماد فرد را جلب و موجب نزول ذکر در فرد شده و عمل شایسته را نمودار می‌سازد.

*** موضوعات کلی سوره = گزاره‌ها**

- «غفلت» عامل دوری از عمل شایسته است.

*** موضوع محوری سوره = اقتراب**

- «غفلت» عامل دوری از عمل شایسته است.
- «غفلت» هم زمان با «اعراض» صورت می‌گیرد.
- «غفلت» همان و «اعراض» همان
- «لهو و لعب» همان و «اعراض» همان

- توجه: «غفلت» احتیاج به عامل دارد. «لهو و لعب» از عوامل آن است.

*** موضوع محوری سوره = ایمان**

- تعریف ایمان: معرفت تصدیق شده‌ای که اطمینان و اعتماد فرد را جلب و موجب نزول ذکر در فرد شده و عمل شایسته را نمودار می‌سازد.

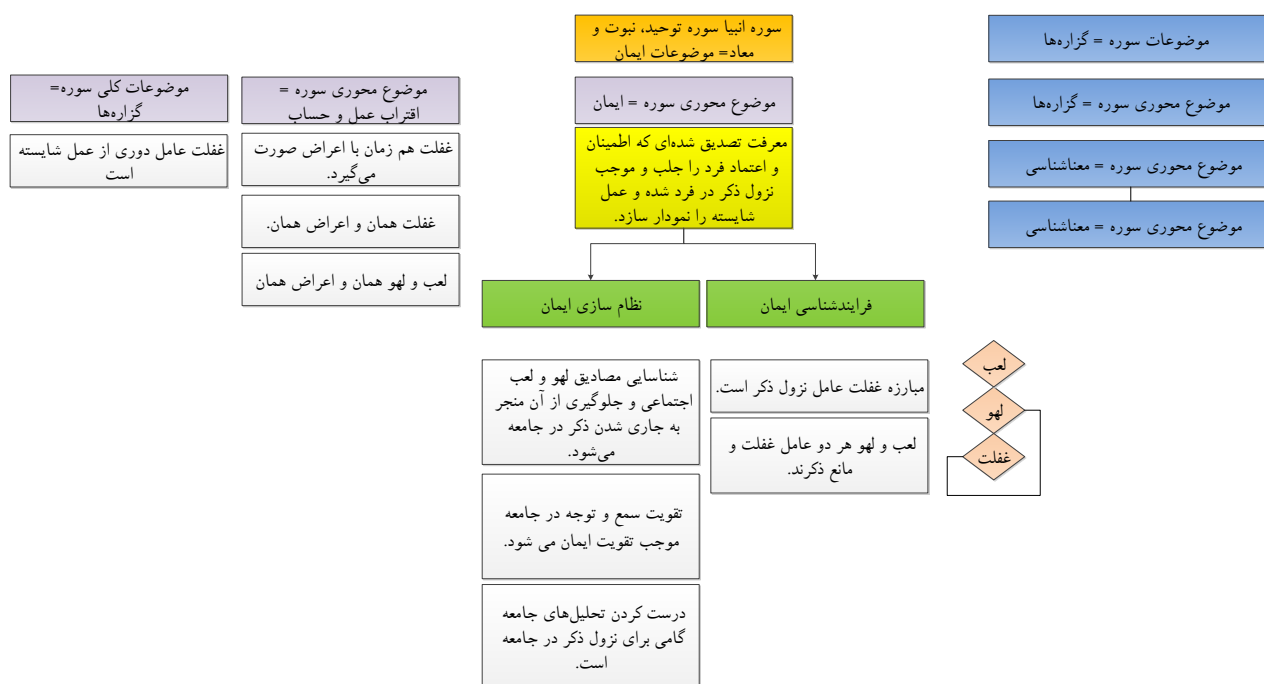
❖ فرآیندشناسی ایمان:

- مبارزه با غفلت عامل نزول ذکر است.
- لهو و لعب هر دو عامل غفلت و مانع ذکرند.

❖ نظام‌سازی ایمان:

- شنایایی مصادیق لهو و لعب اجتماعی و جلوگیری از آن منجر به جاری شدن ذکر در جامعه می‌شود.
- تقویت «سمع و توجه» در جامعه موجب تقویت ایمان می‌شود.
- درست کردن تحلیل‌های جامعه، گامی برای نزول ذکر در جامعه است.

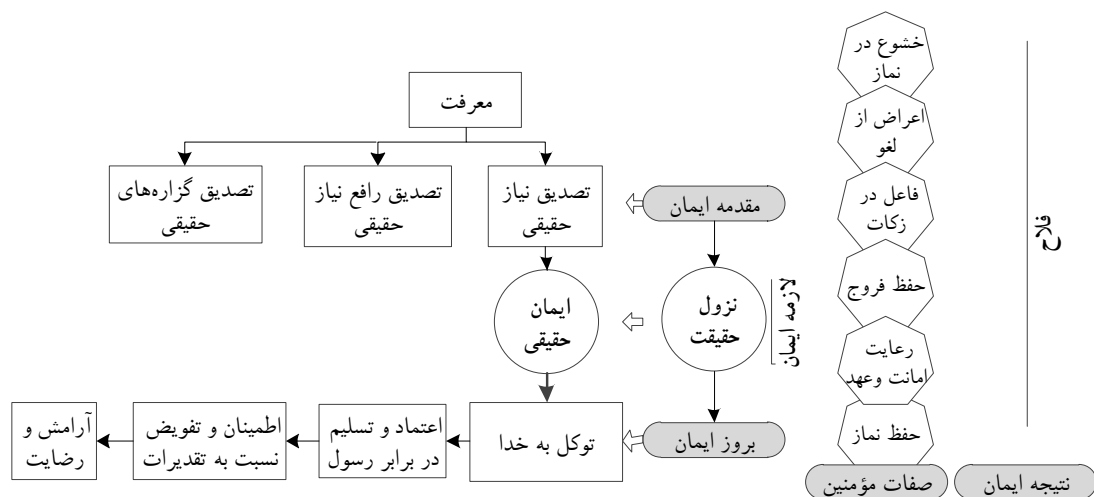
- چگونه انسان به ایمان نمی‌رسد؟ اگر انسانی دارای «لهو قلبی» و یا «لعب عملی» باشد دچار غفلت می‌شود و از آخرت گرایمی اعراض می‌کند.



زنگ دوم:

* چند نمودار در رابطه با «ایمان» از کتاب «فرآیند شناسی ایمان»:

- در قرآن کریم و نیز روایات در توصیف مؤمنین حقیقی صفات متعددی را ذکر کرده‌اند که هر یک نیز به جنبه‌ای از زندگی ایشان دلالت دارد. به عنوان مثال در سوره مبارکه مؤمنون وصف این افراد به صورت زیر بیان شده است:



نمودار ۳. اوصاف مؤمنین حقیقی (کتاب فرآیند شناسی ایمان)

- کسانی که به هر دلیلی در تبدیل ایمان فطری به ایمان حقیقی بی‌توفیق می‌مانند به تدریج ایمان فطری خود را نیز از دست داده و به «لایکونوا مؤمنین» توصیف می‌شوند.

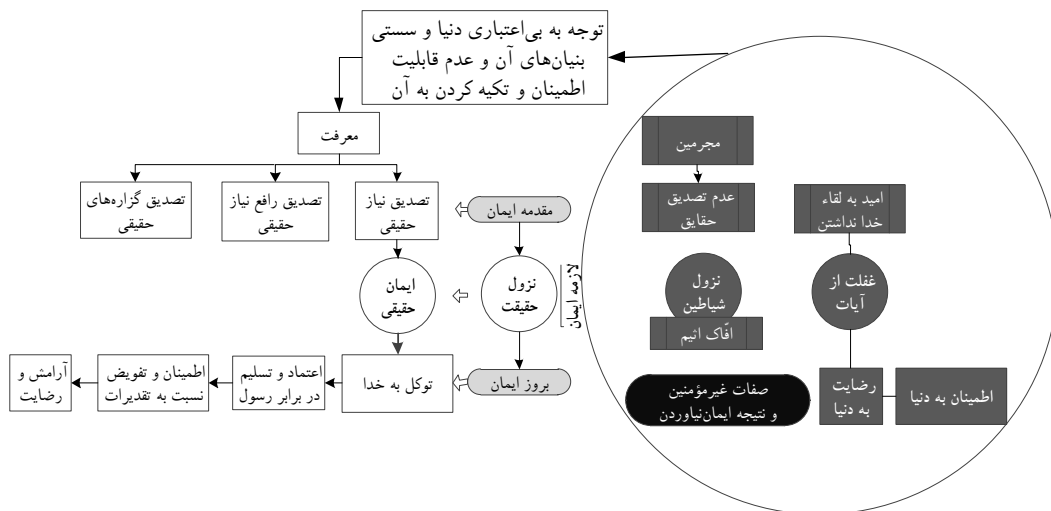
- خداوند در کتاب خود اعلام می‌دارد که ایمان حقیقی به اکراه به کسی داده نمی‌شود. لذا در شکل‌گیری و یا شکوفایی آن مؤلفه «اختیار» که با تفکر و تعقل همراه است دخیل خواهد بود. به قطع بدون تفکر و تعقل ایمان حقیقی در کسی شکل نمی‌گیرد. (سوره مبارکه شعراء، آیات ۲ و ۳: لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ * إِنَّ نَسْأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ یعنی شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه سازی. اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردن‌هایشان خاضع گردد.)

- دوری از «تفکر و تعقل» باعث می‌شود تا انسان نتواند نیازهای حقیقی و رافع نیاز حقیقی و گزاره‌های حقیقی را تصدیق کند و به همین دلیل توان تدارک کردن ایمان را از دست خواهد داد. (سوره مبارکه نمل، آیه ۶۶: بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ یعنی [نه]، بلکه علم آنان در باره آخرت نارساست [نه]، بلکه ایشان در باره آن تردید دارند [نه]، بلکه آنان در مورد آن کوردلند.)

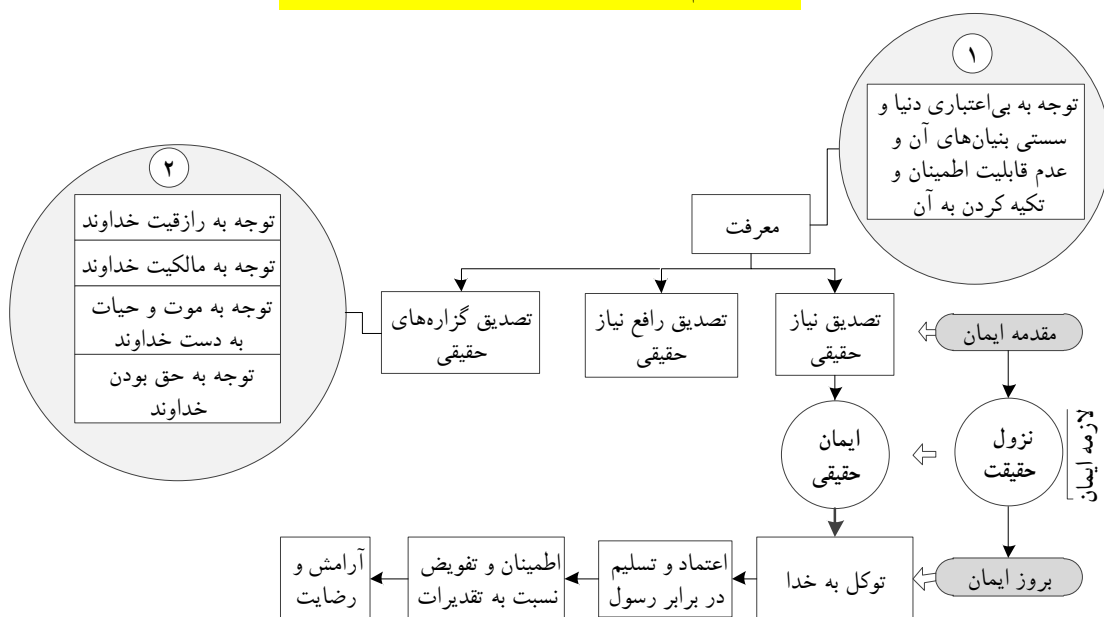
- «کلمه «ادارک» در اصل «تدارک» بوده، و تدارک به معنای این است که اجزای چیزی یکی پس از دیگری (مانند حلقه زنجیر) بیاید تا تمام شود و چیزی از آن باقی نماند و در اینجا معنای «تدارک علمشان در آخرت» این است که ایشان علم خود را تا آخرین جزءش درباره غیر آخرت مصرف کردند، تا به کلی تمام شد و دیگر چیزی از آن نماند، تا با آن امر آخرت را دریابند» (ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۵۵۳)

- فعال شدن تفکر موجب می‌شود تا علم در درون فرد جریان یابد، به ویژه تفکری که بتواند تصدیق را در درون او فعال سازد. به عنوان نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد: (سوره مبارکه شعراء، آیات ۷ تا ۹: أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ اتَّبَعْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ * وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ یعنی مگر در زمین ننگریسته‌اند که چه قدر در آن از هرگونه جفت‌های زیبا رویانیده‌ایم؟ قطعاً در این [هنرنامی] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نیستند و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است.)

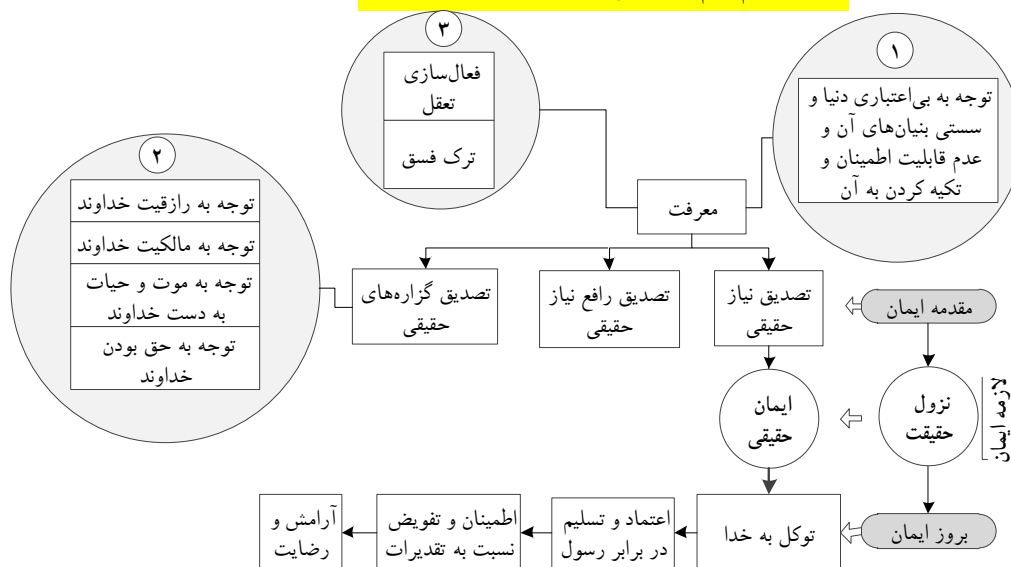
- در آیات فوق لازم است فرد با مشاهده رویش زمین و زوج کریم، رافع نیاز حقیقی که همه مقدرات هستی به دست اوست و عزیز رحیم است را در درون وجدان کند و او را یافته و وجود او را تصدیق کند تا بتواند در برابر او خاضع شود و تسلیم اوامر او گردد.



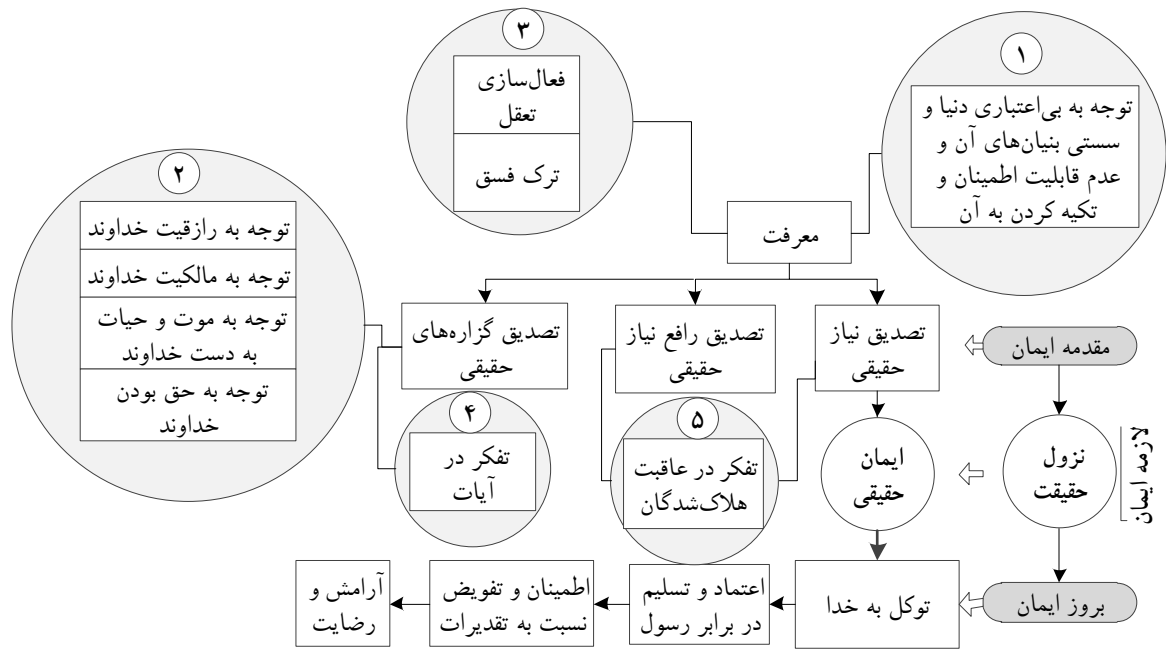
نمودار ۶. گام نخست در تبدیل ایمان فطری به ایمان حقیقی



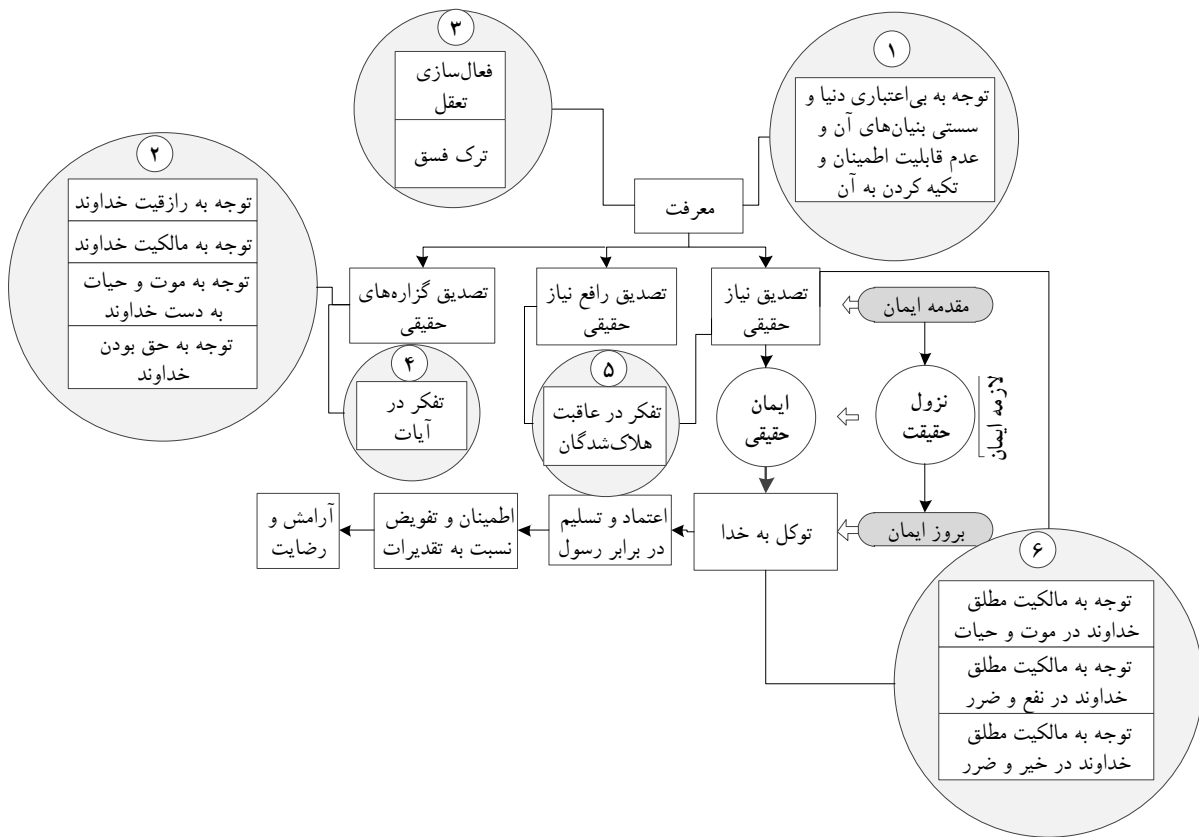
نمودار ۷. گام دوم در تبدیل ایمان فطری به ایمان حقیقی



نمودار ۸. گام سوم در تبدیل ایمان فطری به ایمان حقیقی



نمودار ۹. گام چهارم و پنجم در تبدیل ایمان فطری به ایمان حقیقی



نمودار ۱۰. گام ششم در تبدیل ایمان فطری به ایمان حقیقی

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين